



استفاده شهید مطهری از نظریه فطرت برای توسعه نجات اخروی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه ضمن اشاره به دیدگاه شهید مطهری مبنی بر شمول‌گرایی در نجات تصریح کرد: از نظر شهید مطهری شیوه‌ای دینداری در نوع بشر وجود دارد که شرایط اولیه نجات را برای او فراهم می‌کند.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه ضمن اشاره به دیدگاه شهید مطهری مبنی بر شمول‌گرایی در نجات تصریح کرد: از نظر شهید مطهری شیوه‌ای دینداری در نوع بشر وجود دارد که شرایط اولیه نجات را برای او فراهم می‌کند.

به گزارش ایکن، نشست «میانی عقلی و نقلی شمول‌گرایی در نجات با تاکید بر دیدگاه شهید مطهری» با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین علی شیروانی؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه امروز ۵ خرداد در محل پژوهشگاه برگزار شد که گزیده آن را می‌خوانید؛

مرحوم مطهری در کتاب عدل الهی بحث مفصلی در این رابطه مطرح کردند. عدل الهی از فاخرترین آثار شهید مطهری است که چندبار باید با دقت خوانده شود چون نکات ظریف و دقیقی حول مسئله عدل الهی و مسائل پیرامونی آن آوردند. من از این مقدمه می‌گذرم و وارد اصل بحث می‌شوم.

اول ما باید نجات را توضیح دهیم. وقتی مسئله نجات مطرح می‌شود سرنوشت اخروی انسان‌ها مورد نظر است. ما در برابر نجات یک شقاوت و یک سعادت داریم که باید این سه را از هم تفکیک کنیم. اهل نجات یعنی کسانی که شقی نیستند، اعم از اینکه به درجه سعادت برسند یا اینکه فقط از عذاب خارج شوند. بر این اساس پرسش ما این است که نجات یافتگان چه کسانی هستند یا به تعبیر دیگر کسانی که دچار شقاوت نمی‌شوند چه کسانی هستند.

بنابراین نجات را می‌توانیم به رستگاری تعبیر کنیم. رستگاری را می‌توان در مقابل کامیابی قرار داد. یک دسته کامیاب و سعادت‌مند هستند و یک دسته رستگاران و از عذاب می‌رهند. پس بحث ما فعلاً در این خصوص است که چه کسانی دچار شقاوت و عذاب اخروی نمی‌شوند. در قبال این بحث دیدگاه‌های مختلفی داریم. از یک دیدگاه به انحصارگرایی تعبیر می‌شود که نجات یافتگان را منحصر در گروندگان به آیین اسلام و مذهب خاصی از مذاهب مسلمین می‌داند. در میان ما کسانی هستند که خصوص شیعیان را نجات یافته می‌دانند و بقیه را مبتلا به هلاکت. طیف توسعه‌گرایان نجات اخروی

در مقابل کسانی هستند که نجات را توسعه می‌دهند. درجات توسعه متفاوت است و یک طیفی را شامل می‌شود. بنابراین با دیدگاه‌های متنوعی مواجهیم که برخی نگاه سخت‌گیرانه دارند و برخی آنقدر توسعه می‌دهند که شامل غیر پیروان ادیان هم می‌شود. شهید مطهری توضیح می‌دهد یک دسته روشن‌فکران هستند که دایره نجات و رستگاری را توسعه می‌دهند و یک دسته که خیلی خیلی سختگیرانه عمل می‌کنند و می‌گویند اگر کسی ایمان به خدا و معاد و رسول خاتم و امامت و ... نداشته باشد اهل نجات نیست.

شهید مطهری دیدگاه شمول‌گرایی را می‌پذیرد چون شامل پیروان ادیان دیگر هم می‌شود. به همین خاطر دیدگاه ایشان در قبال انحصارگرایی قرار می‌گیرد. مهم در این بحث این است میانی که ایشان برای تایید دیدگاه خودشان مطرح می‌کنند چیست. نکته قابل توجه این است که ما حتماً باید بحث حقانیت را از نجات جدا کنیم. مسئله حق و باطل در ادیان یک مسئله است، مسئله نجات و عدم نجات مسئله دیگری است. ممکن است کسی عقایدش باطل باشد اهل نجات هم باشد.

یک مسئله دیگر هم همزیستی مسالمت‌آمیز است که آن هم داستان جداگانه‌ای دارد. ممکن است افرادی را اهل نجات ندانیم ولی موظف به همزیستی مسالمت‌آمیز با آنها باشیم. برخی برای درست کردن همزیستی مسالمت‌آمیز، فائل شدند که همه ادیان حقانیت دارند یا برای اینکه نجات یافتگان را توسعه دهند برای همه ادیان حقانیت فائل شدند. اینها فکر کردند همزیستی متوقف بر توسعه در نجات است و توسعه در نجات متوقف بر توسعه در حقانیت است. انحصارگرایی در حقانیت، شمول‌گرایی در نجات

ما در مورد حقانیت کاملاً انحصارگرا هستیم یعنی معتقدیم اگر درباب موضوعی گزاره‌های مختلفی مطرح است مثلاً درباره صفات یا ذات خداوند، تنها و تنها یکی از آن گزاره‌ها می‌تواند صادق باشد. ضمناً توجه داشته باشید اگر می‌گوییم در زمان کنونی فقط دین اسلام حق است طبیعتاً در مقایسه با ادیان تحریف‌شده موجود می‌گوییم والا در باب حقیقت ادیان، تعارض و روبرویی وجود

ندارد و اختلافی اگر هست به لحاظ عمق و ژرف معارفی است که در دین متاخر عرضه شده است. باز اگر می‌گوییم حقانیت منحصر در اسلام است یعنی در آنچه حقیقت اسلام است نه آنچه من به عنوان اسلام شناختم.

مرحوم مطهری دو بحث را مطرح می‌کنند؛ یکی بحث فطرت است و دیگری بحثی که حکما در غلبه خیر بر شر مطرح کردند. مسئله فطرت در اندیشه و آثار شهید مطهری خیلی برجسته است و ایشان را به عنوان فیلسوف فطرت مطرح می‌کنند. ایشان کوشیدند بسیاری از مسائل دشوار را با تکیه بر فطرت حل کنند. ایشان معتقد است انسان دارای یکسری بینش‌ها و گرایش‌هایی است که اختصاص به او دارد و فصل ممیز او از حیوان است. از جمله این گرایش‌ها و بینش‌ها بینش خداخواهی، خدایابی، خدادوستی است که مربوط به مسائل الهیاتی است. این فطرت برای انسان ثابت است و دین الهی نیز مطابق با این فطرت است.

بر این اساس غالب انسان‌ها نوعی دینداری دارند و این دینداری برای نجات آنها کافی است. در واقع نوعی دینداری در نوع بشر وجود دارد که شرایط اولیه نجات را برای او فراهم می‌کند. ما از این به مبنای نقلی شمول‌گرایی در نجات تعبیر می‌کنیم چون بحث فطرت را قرآن مطرح می‌کند. شهید مطهری هم استنادش به آیات و روایات است.

نکته بعدی شهید مطهری این است که نسبت کفر و اسلام را عدم و ملکه نمی‌دانند که بگویند هر که مسلمان نیست کافر است بلکه رابطه این دو را تضاد می‌دانند. شهید مطهری کفر را حالت وجودی می‌دانند. کفر یعنی انسان نسبت به پذیرش آموزه‌های دینی عناد و لجاج داشته باشد. بنابراین ما یک مومن داریم، یک کافر داریم و یک گمراه که نه مومن است و نه کافر و این دسته سوم می‌توانند نجات یافته باشند.